



وضعیت جسمانی وصحی « ارنیل شارون»، صدراعظم و نخست وزیر 77 ساله رژیم (صهیونیستی*) در زمانی به وخامت گراید که اسرائیل و خاورمیانه در یکی از حساس ترین مرحله از تاریخ خود قرار گرفته است، شارون باینکه در بین فلسطینیان و بعضی از کشور های اسلامی از محبوبیت خوبی بر خوردار نبوده زیرا که شارون را از عاملین جنگ افروزی در فلسطین و اراضی اشغالی میدانند ، اما درایتی که شارون داشت در سالهای اخیروپایانی حیات سیاسی خود از یک چهره خشن و جنگ به عنصر صلح گرایش نمود و همچنان با اشاره بوش رئیس جمهور امریکاه طرح نقشه راه و ایجاد و شکل گیری یک کشور مستقل فلسطینی در سر زمین های اشغالی گامی بسیار حساس و تعیین کننده برداشت نوار غزه را از وجود آبادی نشینان و سربازان اسرائیلی کاملاً خالی کرد و آن خطه را به فلسطینیان سپرد، تا فلسطینیان هرگونه که میخواهند و میتوانند آنجا را اداره کنند، و نیز او قصد داشت در کرانه باختری رود اردن به عقب نشینیهای گسترده ای دست بزند که هنوز زمان ، برای انجام آن آمادگی ندارد

خروج کامل از غزه برای اسرائیلیان بسیار درد ناک بود و طوفانی از اعتراض و مخالفت علیه " شارون " بر انگیخت تا آنجا که با مخالفت آبادی نشینان و تند روهای حزب او " لیکود " مواجه شد و حزب " لیکود " را که خود بنیانگذار آن بوده ترک گوید و حزب جدیدی بنام " کدیم " را بنیاد گذارد.

شارون از ایام جوانی که در خدمت سربازی مشغول بود با مهارت تمام و خدماتی که در قوای نظامی و دفاع از اسرائیل با پنجه های خونین علیه فلسطینیان به مقابله پرداخت، به این باور بود که: نمی توان و نباید در برابر ترور عربی و ریختن خون شهروندان اسرائیلی ساکت نشست و باید به آن پاسخ گفت و آن را متوقف ساخت ، ولی شارون از روزی که دوران خدمت نظامی را به پایان رسانید و ینفورم نظامی را از تن در آورد و به صحنه سیاست پای گذاشت، تجربیات از مبارزات مردم فلسطین کسب کرد و با واقعیات تازه ای آشنا شد ، زیرا که وی در اواخر عمر دریافت که حل دشواری های پیچیده سیاسی ، تنها از راه بکار بردن زور و قدرت نظامی شدنی نیست بلکه باید به خواسته ها و ارمانها و انتظارات مبارزه فلسطینیان نیز توجه داشت و جواب مثبت گفت، هر چند در زمان زنده یاد « پاس عرفات » به دلیل اختلافی که میان آنها وجود داشت مذاکرات صلح متوقف شده و دو طرف در مقابل هم صف آرایی کردند، اما مرگ « عرفات » به گشایش باب مذاکرات و توافق انجامید به گونه ای که اسرائیل در زمان شارون به بزرگترین چرخش تاریخ حیات خود به سوی صلح و آشتی دست زد، شارون خواست چون « اسحاق رابین » به فلسطینیان امتیازات بسیار دهد، تا راه را با عقب نشینی های دیگری از کرانه باختری هموار کند، ولی با عمر سیاسی و صحی اش وفا نکرد، بسیاری اسرائیلیان بر این عقیده اند که کمتر کسی در اسرائیل میتواند مانند شارون به زوایای امنیتی و دفاعی نزاع با فلسطینیان و همچنین به زوایای سیاسی و عملی حل این در گیری آشنا باشد، و از این رو هنگامی که طرح خروج از نوار غزه را ارائه کرد با عملکرد شگفت انگیز آنرا به اجرا گذاشت، وی با ایجاد حزب " کدیم " توانست بسیاری از چهره های میانه رو، و عملگرا را به دور خود جمع کند و در مدت کوتاه در انتخابات پارلمانی اسرائیل یک سوم از کل کرسیهای « کنست " را از آن خود نمود، سوال بمیان میاید که آیا با نبود « شارون » حزب " کدیم " که از حزب " کارگر " به آن پیوسته اند، آیا خواهان گذشت نسبت به فلسطینیان است و آیا با رفتن « شارون » خواهد توانست انسجام خود را حفظ کند و به راه او ادامه دهد؟

اسحق رابین، نخست وزیر ترور شده اسرائیل به دست یک افراطی یهودی چنین طرحی را نیز داشت، زیرا او که دست به انعقاد قرار داد صلح " اسلو " با عرفات و فلسطینیها زده بود با اعتراض جناح های افراطی مواجه و جان خود را بر سر فلسطینیها نهاد ولی دولتی که پس از او روی کار آمد مخالف توافق ها بوده و به جناح راستگرای لیکود تعلق داشت به همین دلیل « نتانیاهو » که نخست وزیر اسرائیل شده بود صلح را نفی کرده و مذاکرات و توافق ها را به بن بست کشید، لذا باز هم سوال بمیان میاید که، آیا روندی که پس از ترور رابین طی شد در پی مرگ شارون نیز حاکم خواهد شد؟

رفتن شارون اگرچه با شادی و سرور یهودیان افراطی که قبلاً از طرفداران او بودند و فلسطینی هایی که در حال جنگ با اسرائیل هستند همراه بود، اما برای طرفداران صلح و آنهایی که شارون را در راه صلح می دیدند با تأمل همراه بود، در پی سکنه مغزی اول شارون که در 19 دسمبر 2005 میلادی روی داد و او را به شفاخانه کشاند، « محمود عباس » رهبر فلسطین طی تماسی با دفتر شارون بیهود سریع وی را آرزو کرد، اما سکنه دوم که چند روز بعد روی داد خط بطلانی بر تمامی خوش بینی ها بود به همین دلیل اسرائیل و فلسطین را وارد، دوره جدیدی کرد، اگر چه طرفداران صلح و آشتی برای ادامه راه شارون امیدوار هستند، اما افراطیون یهودی و فلسطینی نیز از پیدایش و ضعف کنونی چندان ناراحت نیستند، زیرا برای آنها یک شارون صلح طلب به هیچ وجه قابل پذیرش نبوده و باید از قدرت کناره گرفته و یا از بین می رفت، این تهدیدی بود که در پی خروج اسرائیل از نوار غزه و تحویل این منطقه به فلسطینی ها از سوی یهودیان و شهر نشینان صورت گرفته و انها اعلام کردند که شارون را آرام نخواهند گذارد، ولی قبل از اینکه آنها دست به کار شده و همچون زمان « اسحاق رابین » از طریق ترور او را از سر راه بردارند، اما سکنه های متوالی مغزی به سراغ وی آمده و راه را برای افراطیون هموار کرد اما مشخص نیست در اولین انتخابات زود رس که چندی بعد بر گزار خواهد شد، آیا آنها موفق خواهند شد یانه؟ تغییری که پس از خروج شارون از حزب راستگرای " لیکود " در این حزب به وجود آمد و روی کار آمدن « نتانیاهو » نشان از تجمع افراطیون در این شکل سیاسی دارد که توسط شارون به وجود آمده بود ولی او گرایش به صلح و آشتی حتی در حزب خود نیز احساس آرامش و امنیت نمی کرد به همین دلیل ترجیح داد حزب " لیکود " را که به منزله فرزند او بود ترک کند.

شارون در 21 نومبر 2005 از حزب " لیکو " استعفا داده و کناره گیری کرد و بتاريخ 22 نومبر 2005 حزب " کادیم " (پیشرو) با شعار صلح و امنیت تأسیس کرد، حزب " کدیم " که « شارون » بنیانگذار آن بود، حزب یک فرد و آنها خود « شارون » بود که همانند آهن ربا بسیاری از چهره های میانه رو و عمل گرای اسرائیل را به دور او جمع کرد و در مدتی کوتاه چنان حزبی بوجود آورد که انتخابات پارلمانی اسرائیل در همان زمان بر گزار میشد یک سوم از تمام کرسیها " کنست " را از آن خود میساخت، سوال بمیان میاید که ، آیا نبود « شارون » و " کدیم " خواهد توانست از همان محبوبیت بر خوردار شود و در دوره بعدی پارلمان رهبری کشور را بدست گیرد؟ و آیا حزبی که برخی اعضای بر جسته آن از حزب " لیکود " آمده اند که تا کنون خواهان شدت عمل علیه صلح ستیزان بوده و بعضی دیگر از شخصیتهای آن از حزب " کارگر " به آن پیوسته اند که خواهان گذشت نسبت به فلسطینیان است، با مرگ « شارون » خواهد توانست انسجام خود را حفظ کند و به راه او ادامه دهد؟

در نگاه نخست چنین ارزیابی میشود که جایگزین موقت « شارون » آقای « اهود اولمرت ** » از پشتیبانی همه اعضای حزب " کدیم " بر خوردار است، آقای « اهود اولمرت به طور قانونی و منظم به جایگزینی « شارون » منصوب شد و از این رو همگان او را می پذیرند، « اهود اولمرت » با حمایت قاطعانه از طرح خروج اسرائیل از نوار غزه ثابت کرد که دیدگاههای میانه رو دارد، او حتی پیش از قول نخست وزیرنقل کرد که اگر فلسطینیان آمادگی واقعی برای بر قراری صلح و بلوغ سیاسی نشان دهند و از ترور برای همیشه دست بر دارند، اسرائیل

در شرق اورشلیم نیز امتیازات به آنان خواهد داد که گرچه «شارون» بلافاصله این سخنان را تکذیب کرد، ولی تردیدی نیست که اگر به رهبری اسرائیل ادامه میداد، چنین راه حلی میتوانست شدنی باشد.

مشکل حزب "کدیم" آن است که جدیداً و مدت اندک از ثبت رسمی آن به عنوان حزب میگذرد و هنوز کمیته مرکزی و مجمع عمومی برپا نساخته و تشکیلات اداری ندارد و هیأت رئیسه آن مشخص نشده، ولی اگر سران حزب همبستگی و هماهنگی را حفظ کنند "کدیم" این مشکل را پشت سر خواهد گذاشت و اگر "کدیم" به راه «شارون» ادامه دهد از محبوبیت گسترده در بین اسرائیلیان بر خوردار خواهد شد، در حالیکه جناح راست اسرائیل «شارون» را به سختی هدف حملات سیاسی خود در رابطه با خروج از غزه قرار داد و به مبارزه شدیدی علیه او پرداخت، ولی «شارون» در همه مراحل از پشتیبانی اکثریت بزرگی از مردم اسرائیل در انجام راهی که در پیش گرفته بود بر خوردار گردید و در آینده نیز اکثریت مردم از حزبی جانبداری خواهند کرد که راه میانه را در پیشگیرد، یعنی: آمادگی کامل برای گذشت و دادن امتیاز به فلسطینی ها را داشته باشد و همزمان قاطعیت زیادی برای حفظ نیاز های امنیتی و تأمین آسایش مردم نشان دهد.

نگاهی به زندگی 77 ساله «شارون» این واقعیت را آشکار می سازد که او در زندگی خود رابطه قابل قبولی با فلسطینی ها نداشته و همواره از سیاست مشیت آهنین برای مقابله با آنها بهره می گرفت و به همین دلیل به او لقب "بولدوزر" داده بودند، وی علاوه بر بیماری قلبی از سنگینی وزن نیز رنج می برد که همین دو عامل در سوق دادن او به سوی مرگ نقش داشتند در حالیکه قبل از سکنه دوم قرار بود تحت عمل جراحی قلب قرار گیرد و با فرستادن پاپی و بالن به داخل رگهای قلبی او حفزه ای که در آن ایجاد شده بود مسدود شود، «شارون» جنرال باز نشسته و متقاعد در سال 1928 میلادی در فلسطین متولد شد و در پوهنتون و دانشگاههای "عیری - تل آویو" در رشته های شرق شناسی و حقوق تحصیل کرد، او در زمانی که اسرائیلی ها برای پیشبرد اهداف خود به کشتار فلسطینی ها و تروریسم متوصل شده بودند به سازمان تروریستی "هاگنا" می پیوند و پس از شکل گیری اسرائیل مسوولیت چند پست نظامی را عهده دار می شود، او در جنگ 6 روزه سال 1969 میلادی اعراب و اسرائیل قوماندانان نظامی در منطقه جنوب فلسطین بوده و در سر کوب فلسطینی ها ایفای نقش می کرد، ولی در جنگ رمضان سال 1973 با اعراب در جبهه مصر حضور یافته و در عبور قوای مسلح از کانال سوئز اقدامات موثری انجام داد ولی آنچه او در سال 1982 میلادی در لبنان انجام داد لطمه ای اساسی به اعتبارش وارد آورد زیرا درحمله اسرائیل به این کشور که با اشغال بیروت و بیرون راندن چریک های فلسطینی و عرفات از لبنان به تونس همراه بود مسوولیت وزارت دفاع را بر عهده داشته و بر کشتار فلسطینی ها در اردوگاههای "صبرا و شتیلا" در بیروت نظارت کرد، پس از این حوادث ناگوار با اعتراضات جهانی مواجه شده و کمیته تحقیق او را مقصر شناخت که به همین دلیل از وزارت دفاع بر کنار شد.

اما این حوادث سبب خانه نشین شدنش نگردید بلکه بین سالهای 1984 تا 1988 میلادی وزیر صنایع و تجارت واز سال 1988 تا 1992 میلادی نیز وزیر مسکن و شهرکساز اسرائیل بود، او همواره موضعی علیه صلح با فلسطینی ها داشت و نقش بسزایی در شهرکسازي ایفا کرد به همین دلیل خروج از نوار غزه و تخلیه شهرکهای این منطقه بسیار تعجب بر انگیز بود، شارون از سال 1973 میلادی با تشکیل حزب راستگرای "لیکود" وارد عرصه سیاسی شده و از طریق این حزب به پارلمان راه یافت، او در سالهای 1977 تا 1981 میلادی در کابینه «مناخیم بگین» وزیر زراعت بوده و از سال 1981 تا سال 1983 میلادی وزیر دفاع بود که دست به کشتار "صبرا و شتیلا" زد.

جالب توجه است که شارون در سال 1993 میلادی با انعقاد قرار داد صلح "اسلو" بین «رابین» و «عرفات» مخالفت کرده و از رای دادن به موافق نامه صلح "اردن و اسرائیل" خود داری کرد، پس از ترور «رابین» در انتخاباتی که بر گزار شد "لیکود" پیروز شده و «نتانیاهو» صدراعظم ونخست وزیر شد، در کابینه او که مخالف صلح بود در سال 1996 میلادی «شارون» وزیر امور زیربنایی گردید و در سال 1998 میلادی وزیر امور خارجه شد، او در سال 2000 میلادی دیداری از مسجد الاقصی داشت که بسیار تحریک آمیز بوده و به انتفاضه مسجدالقصی فلسطینی ها انجامید همین دیدار و اعتراضات استعفاي «بارک» صدراعظم ونخست وزیر وقت اسرائیل از حزب "کارگر" را در پی داشت به همین دلیل در سال 2001 میلادی اسرائیل انتخابات پارلمانی بر گزار کرد که با پیروزی جناح «شارون» همراه بود، شارون از سال 2001 تا زمان مرگ صدراعظم و نخست وزیر اسرائیل بود ولی در این سالها شاهد چرخش کامل سیاسی او بودیم به گونه ایکه در سال 2005 میلادی از نوار غزه خارج شده و این منطقه را در اختیار فلسطینی ها قرار داد، آنچه «شارون» به آن دست زد، در تاریخ فلسطین بی سابقه بود و حوادثی که پس از آن روی داد از جمله خروج از "لیکود" زلزله سیاسی در اسرائیل خوانده شد.

بسیاری از ناظران سیاسی در اسرائیل معتقدند، موقعیت حزب "کادیم" ناشی از شخصیت و محبوبیت شارون بوده و در صورت خروج وی از صحنه سیاسی ممکن است رهبر تازه توانایی جلب حمایت رای دهندگان را نداشته باشد، «شارون» حزب "کادیم" را با هدف پیشبرد روند مصالحه با فلسطینی ها در چارچوب طرح مورد حمایت امریکا (نقشه راه) تأسیس کرد و در صورت پیروزی در انتخابات آینده انتظار می رفت همین سیاست را دنبال کند.

روز قبل از سکنه دوم شارون، حزب لیکود به اعضای خود در کابینه ائتلافی دستور داده بود از دولت خارج شوند، اما به نظر می رسد مرگ شارون سبب توقف این دستور گردید، جدایی شارون و تعدادی از اعضای ارشد "لیکود" از این حزب بی تردید با تضعیف موقعیت آن در انتخابات آینده شده اما مشخص نیست که این وضعیت به نفع چه حزب و گروهی خواهد بود و آیا حزب چپگرای "کارگر" که هنوز از جمله احزاب اصلی اسرائیل و بر خلاف "لیکود" طرفدار نرمش در برابر فلسطینی هاست از تحولات احتمالی بهره خواهد برد؟ به همین دلیل باید اعلام کرد که انتخابات آتی در ماه مارچ صحنه رویا رویی و تقابل طرفداران صلح با فلسطین و مخالفین است، در این میان دوستان «شارون» و حزب "کادیم" می توانند با بهره گیری از موقعیت ووجهه او پیروزی را از آن خود کنند و اجازه نخواهند داد تا دشمنانش که در "لیکود" تجمع کرده اند به قدرت برسند.

بانبود «شارون» یک دوران تاریخی در اسرائیل به پایان میرسد، در نیم قرن گذشته رهبران اسرائیل (جز در دو مورد)، نسل جنگ های دوران استقلال واز بنیانگذاران کشور بودند، رهبری به آنانی سپرده شود که در میان بنیانگذاران کشور نبوده اند، جوانتر هستند و زاویه دید آنان متفاوت از جنگ است، البته که اسرائیل فردا با سه شخصیت روبروست که برای بدست گرفتن رهبری کشور بایکدیگر به رقابت خواهند پرداخت، از یک سو «بنیامین نتانیاهو» رهبر نو گزیده حزب "لیکود" و صدراعظم و نخست وزیر پیشین که به فلسطینیان اعتماد ندارد و با خروج از نوار غزه به سختی مخالفت ورزیده بود، در برابر او رهبر نوگزیده حزب "کارگر" «عامیر پرتس» قرار دارد که خواهان دادن امتیازات گسترده به فلسطینیها و حل سریع نزاع با آنان است تا بتوان همه توان کشور را در راه بالا بردن سطح زندگی مردم و حل مشکلات داخلی به کار گرفت، در میان آنان «اهود اولمرت» یا شخصیت دیگری از حزب "کدیم" قرار گیرد که راه «شارون» را توصیه میکند و گذشت سیاسی و قاطعیت دیپلماتیک را در هم می آمیزد و میتواند پایه و اساس ائتلافی قرار گیرد که رهبری آینده اسرائیل به آن حزب سپرده شود./ پایان

* صهیونیسم : از کنگره ها و تشکیلات قدیمی قوم یهود است که برای اولین بار در 856 ق.م دریای کوه صهیون واقع در جنوبغربی اورشلیم (بیت المقدس) تشکیل گردید و بنابر این نام صهیونیسم بخود گرفت، هدف از این تشکیلات بازگرداندن قوم بنی اسرائیل به فلسطین بود، در 1897 هر تزل نویسنده کتاب دنیای یهود ریاست این گروه را در شهر بال سویس عهده دار گردید، در 1916 و 1919 تشکیلاتی بنام آژانس یهود به آن اضافه شد تا اینکه بر اثر مساعی این تشکیلات در 1948 میلادی دولت اسرائیل در فلسطین به ریاست «بن گوریون» تشکیل گردید.

** اهود المرت : کفیل نخست وزیر ویکی از اعضای حزب "کادیم" مردی 60 ساله که رابطه سیاسی بسیار نزدیکی با «شارون» داشته، از جمله افرادی است که به نظر می رسد بتواند بخوبی از میراث رفیق کهنه کار خود نگهبانی و نگهداری کند.